

نقش سرمایه‌گذاری‌های دولت در ظرفیت‌سازی مناطق روستایی (نمونه موردی: روستاهای ناحیه آران و بیدگل)

مصطفی طالشی: دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
محمود جمعه‌پور: دانشیار برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
محمود گنجی‌پور^۱: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

توسعه مناطق روستایی، یکی از محورهای اصلی سیاست دولت است و به این منظور دولت برای دستیابی به توسعه روستایی از ابزارهای مختلف استفاده کرده و اقدامات متعددی را به مرحله اجرا در آورده است. سرمایه‌گذاری‌های عمرانی یکی از مهم‌ترین ابزارها در این زمینه است. بخشی از پیامدهای سرمایه‌گذاری عمرانی را می‌توان در نظام اجتماعی شاهد بود که دارای محورهای متفاوتی مثل توانمندسازی و ظرفیت‌سازی است. هدف این تحقیق بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری‌های دولت در ظرفیت‌سازی روستاهای کشور است. روش تحقیق از نوع اسنادی و پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق را کلیه ۱۴۴۳۱ نفر ساکن در ۱۱ روستای ناحیه آران و بیدگل تشکیل می‌دهند. حجم نمونه با استفاده از نمونه‌گیری کوکران ۳۱۲ نفر تعیین گردید. در روش پیمایش، پس از گردآوری اطلاعات با پرسشنامه خود ساخته و پردازش اطلاعات با نرم‌افزار SPSS، با توجه به سطح سنجش متغیرها از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی کندانال b استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد رابطه‌ی میان میزان سرمایه‌گذاری عمرانی و ظرفیت‌سازی: ایجاد ظرفیت نگهداری از تأسیسات روستا ($sig=0/058$)، تغییر و بهبود در مدیریت روستا ($sig=0/054$)، پذیرش نقش در فعالیتهای عمرانی ($sig=0/049$) و ($sig=0/041$) و قدرت کنترل و تغییر ناشی از مداخله سازمان‌های دولتی ($sig=0/048$) در روستاهای ناحیه می‌باشد. بنابراین دولت با سرمایه‌گذاری‌های عمرانی در تقویت و ارتقاء ظرفیت‌سازی جوامع روستایی از کارآمدی ناچیزی برخوردار است و هنوز روستانشینان نیز نقش‌آفرینی کمتری را در توسعه روستایی برای خود قایل هستند.

واژه‌های کلیدی: سرمایه‌گذاری، ظرفیت‌سازی، دولت، روستاهای آران و بیدگل، اثرات اجتماعی، آران و بیدگل.

^۱. نویسنده مسئول: ganjimahmood@gmail.com، ۰۹۱۳۲۷۷۲۰۱۴

بیان مسأله:

یکی از اساسی‌ترین اهداف استقرار دولت‌ها فراهم ساختن رفاه و توسعه برای جامعه است (سعیدی و همکاران، ۱۳۸۵: ۵۴). در نتیجه فرایند توسعه همواره کنش دولت را در بر داشته (دوفومیه، ۱۳۷۳: ۱۸) و در فرایند توسعه دولت یکی از محورهای مهم و عامل اثرگذار می‌باشد (رضوانی، ۱۳۸۳: ۲۱۴). دولت‌ها سعی کرده‌اند به راه‌های مختلف و با انگیزه‌های متفاوت با مسئله فقرای روستایی خود در ارتباط باشند (Lea et al, 1981: 9). بنابراین، فلسفه سیاسی و ایدئولوژیکی دولت و ساختار آن نقش اساسی در فرایند توسعه، از جمله توسعه‌ی روستایی دارد (شکوری، ۱۳۸۴: ۵۱). نقش و اهمیت دولت در روند توسعه (یا خواه بازدارنده بودن آن) انکارناپذیر است (Shakoori, 2002: 96). دولت‌ها در بیشتر مناطق در حال توسعه سیاست‌هایی را برای ارتقاء و توسعه‌ی بخش روستایی اتخاذ می‌کنند ولی اکثر این سیاست‌ها به انگیزه‌های اقتصادی انحرافی منجر می‌شود و در واقع سیاست‌های روستایی آن‌ها، دلیل اصلی توسعه‌نیافتگی روستایی است (دارابی، ۱۳۸۴: ۷۴). در ایران طی دهه‌های گذشته، بخش عمده‌ای از مراحل توسعه روستایی در چهارچوب برنامه‌های توسعه کلان کشور صورت گرفت. بر اساس برنامه و با توجه به ماهیت برنامه‌ریزی که به صورت بخشی صورت می‌گیرد، طی برنامه سه دسته از هزینه‌هایی که دولت می‌تواند انجام دهد عبارتند از: هزینه‌های عمرانی، جاری و عمومی. در این میان هزینه‌های عمرانی هستند که در روند توسعه کشور به ویژه توسعه روستایی حائز اهمیت است (سازمان برنامه و بوجه، ۱۳۷۹: ۲۹۳). هر سرمایه‌گذاری دولت در عرصه‌های روستایی صورت می‌گیرد به مثابه متغیر جدیدی است که در راستای توسعه روستایی باید منجر به تحولاتی گردد که این تحولات را می‌توان از ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار داد. به این ترتیب انتظار می‌رود تا سرمایه‌گذاری‌ها در هر بخش منجر به بهبود خرده سیستم‌های موجود در بخش‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی شود.

ظرفیت‌سازی به عنوان یکی از عناصر ضروری برای تحقق هدف اصلی توسعه‌ی پایدار سکونتگاه‌های انسانی در دنیای امروز شناخته شده است. این بحث به ویژه بر گسترش همکاری به منظور شامل نمودن گروه‌های جامعه مدنی به عنوان شرکای تمام عیار تأکید دارد. ظرفیت‌سازی معمولاً با ایجاد مشارکت به خصوص میان بخش‌های دولتی و خصوصی همراه است (United Nations, 2001: 129). ظرفیت‌سازی به آموزش فردی، مهارت‌ها و انطباق آن با تغییرات اقتصادی، اجتماعی و شرایط زیست محیطی و همچنین به اجتماع به طور گسترده و به طور خاص به نهادها و سازمان‌ها و زیرساخت‌های آن باز می‌گردد (University of Foreign affairs, 2000: 9). ظرفیت‌سازی مؤثر می‌تواند به تقویت ارتباط متقابل و همیاری دولت، نهادها، سازمان‌ها، اجتماعات و گروه‌ها و افراد بیانجامد. شواهد و مدارک موجود در ارتباط با سرمایه‌گذاری‌های عمرانی حاکی از آن است که طی دوره ۱۳۹۰-۱۳۷۴ مبلغ ۱۶۳۸۵ میلیون ریال در روستاهای ناحیه آران و بیدگل به صورت نقطه‌ای و مبلغی معادل ۴۵۶۶۸ میلیون ریال نیز به شکل غیرمستقیم (پهنه‌ای) هزینه شده است. سرانه این ارقام برای روستاهای ناحیه به ترتیب برابر با ۱۴۸۹ و ۴۱۵۱ میلیون ریال است. در همین ارتباط میانگین سالانه سرمایه‌گذاری عمرانی به صورت نقطه‌ای طی این مدت برابر با ۱۰۲۴ میلیون ریال و میانگین سالانه سرمایه‌گذاری عمرانی به صورت پهنه‌ای طی این مدت برابر ۲۸۵۴ میلیون ریال بوده است. بررسی وضعیت سرمایه‌گذاری‌های عمرانی به تفکیک روستاها نیز نشان می‌دهد که در مجموع از کل ۶۲۰۵۳ میلیون ریال، به طور متوسط معادل ۵۶۴۱/۱ میلیون ریال در هر روستا هزینه شده است. بخشی از پیامدهای سرمایه‌گذاری دولت را می‌توان در نظام اجتماعی شاهد بود که دارای محورهای متفاوتی مثل توانمندسازی، ظرفیت‌سازی است. در این تحقیق محور ظرفیت‌سازی مورد توجه قرار گرفته است که دارای شاخص‌های متعددی

است. در اینجا این سؤال مطرح است که دولت به چه میزان با توجه به حجم سرمایه‌گذاری‌ها در ظرفیت‌سازی روستاهای ناحیه آران و بیدگل برای دستیابی به توسعه روستایی موفق بوده است؟ با توجه سؤال این فرض مطرح می‌شود که: سرمایه‌گذاری‌های دولت در ظرفیت‌سازی روستاها مؤثر بوده است. بنابراین تحقیق تلاش می‌کند تأثیر حجم سرمایه‌گذاری عمرانی انجام شده توسط دولت در ظرفیت‌سازی برای دستیابی به توسعه پایدار روستایی در ناحیه آران و بیدگل را بررسی و تحلیل نماید.

پیشینه تحقیق:

در جدول زیر به برخی از تحقیقات و گزارش‌ها که اکثر آن‌ها به صورت جنبی و حاشیه‌ای به نقش دولت در توسعه روستاها پرداخته‌اند، اشاره می‌شود.

مؤلف	سال	محتوا و نتایج پژوهش
دیوید.ام.لی و د.بی	۱۹۸۵	به بررسی نقش دولت در توسعه روستایی کشورهای در حال توسعه آسیایی پرداخته و به مسائل، مشکلات و رهیافت‌های توسعه روستایی و استراتژی‌ها و طرح‌های توسعه روستایی در کشورهای مختلف اشاره می‌کنند.
شکوری	۲۰۰۲	به بررسی نقش دولت در توسعه روستایی بعد از انقلاب اسلامی ایران پرداخته و متغیرهای توسعه روستایی و جامعه روستایی و انقلاب اسلامی را مورد بررسی قرار داده و سیاست‌های توسعه روستایی بعد از انقلاب را تحلیل کرده است.
فن، هیزل و تورت	۲۰۰۳	به بررسی نقش مخارج دولت در رشد کشاورزی و کاهش فقر در کشور هندوستان پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که سرمایه‌گذاری بیشتر در امور جاده سازی دارای بیشترین تأثیر را بر کاهش فقر روستایی دارد.
فن	۲۰۰۳	یک سیستم معادلات همزمان را به منظور تخمین اثرات انواع مختلف مخارج دولت برآورد کرده است. نتایج بررسی آنها نشان داد که به ترتیب سرمایه‌گذاری‌های دولتی در تحقیق و توسعه کشاورزی، آبیاری، آموزش روستایی و زیرساخت‌ها تأثیرات قابل توجهی بر رشد کشاورزی و کاهش فقر روستایی داشته است.
فن، جیتسوشن و متاکناوات	۲۰۰۳	اثرات انواع مختلف سرمایه‌گذاری دولت بر فقر روستایی را در مناطق روستایی تایلند بررسی کردند. نتایج بررسی آنها نشان داد که به ترتیب سرمایه‌گذاری‌های دولتی در تحقیق و توسعه کشاورزی، آبیاری، آموزش روستایی و زیرساخت‌ها تأثیرات قابل توجهی بر رشد کشاورزی و کاهش فقر روستایی داشته است.
ژنگ و فن	۲۰۰۴	سرمایه‌گذاری‌های دولتی به رشد تولیدات در بخش‌های کشاورزی و غیرکشاورزی روستایی کمک کرده است. با این حال، تأثیر این سرمایه‌گذاری‌ها در کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، براساس نوع سرمایه‌گذاری در منطقه مورد مطالعه متفاوت است.
غفاری	۲۰۰۵	رابطه دولت و توسعه روستایی و سپس نقش دولت و توسعه مشارکتی در توسعه روستاها را تحلیل و در نهایت به نقش دولت ایران در توسعه روستایی اشاره می‌کند.
پاتریک و اگلی	۲۰۰۸	که مقاله پس زمینه ای را در باب ظرفیت‌سازی برای هبیتات نگاشته اند معتقد است که ظرفیت‌سازی فرایندی دائمی، قابل انعطاف، تأثیر پذیر و پاسخ گو است که تمام بازیگران را شامل می‌شود.
دارابی	۱۳۸۴	تلاش می‌کند تا ارتباط مشارکت مردمی و حجم سرمایه‌گذاری عمرانی انجام شده را در دستیابی به توسعه در ناحیه کاشان بررسی نماید و نشان دهد که چه ارتباطی بین مشارکت، سرمایه‌گذاری و توسعه فضایی روستایی وجود دارد.
دارابی و سعیدی	۱۳۸۵	در تحقیق خود، میزان اثرگذاری دخالت دولت در توسعه روستایی و اثرگذاری آن در جلوگیری از مهاجرت روستاییان در ناحیه کاشان را تحلیل و در نهایت به این نتیجه می‌رسند که یکی از اساسی‌ترین نارسایی‌های برنامه‌های روستایی به ویژه سرمایه‌گذاری‌های عمرانی عدم عنایت لازم به تحولات اجتماعی - اقتصادی از یک سو و دگرگونی‌های فکری - ادراکی از سوی دیگر بوده است.
شاطریان و گنجی پور	۱۳۸۹	اثرات سرمایه‌گذاری‌های عمرانی در توانمندسازی روستاهای بخش ابوزیدآباد را مورد مطالعه قرار داده‌اند. نتیجه مطالعات میدانی آنها نشان می‌دهد همبستگی میان میزان سرمایه‌گذاری عمرانی و توانمندسازی روستاها وجود ندارد. این باعث می‌گردد تا نوسان در سرمایه‌گذاری‌ها، توانمندسازی روستاها را چندان متاثر نسازد.
پورطاهری و همکاران	۱۳۸۹	درصد اندازه‌گیری میزان ظرفیت‌های اجتماعی، اقتصادی، نهادی و کالبدی مناطق روستایی مورد مطالعه به منظور مقابله با تأثیرات مخاطره زلزله و تبیین علمی نقش ظرفیت‌سازی با هدف کاهش تأثیرات زمین لرزه در منطقه روستایی است. نتایج تحقیق، از کافی نبودن ظرفیت‌های موجود در روستاهای مورد مطالعه برای کاستن از تأثیرات و آسیب پذیری خطر زمین لرزه حکایت دارد.

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳.

مبانی نظری:

فرایند توسعه همواره کنش دولت را در بر دارد. در ادبیات توسعه کشورهای جهان سوم در مورد اهمیت دولت برای پیشبرد فرایند توسعه اقتصادی توافق کلی وجود دارد و به عنوان یکی از نیروهایی است که نقش زیادی در فرایندهای تغییر این جوامع، از جمله در زمینه تغییر روستایی ایفا می کند (دوفومیه، ۱۳۷۳: ۱۸). از دهه ۱۹۷۰ م. نقش دولت در توسعه به طور جدی مورد تأکید قرار گرفت (کانیرز، ۱۳۸۱: ۷۴). انواع مختلف ساختارهای دولت ظرفیت های کنش متفاوتی را پدید می آورند و این ساختار است که گستره نقش هایی را که دولت می تواند ایفا کند، مشخص می کند (اوانز، ۱۳۸۰: ۴۵). با عنایت به این تعریف که دولت عبارت است از نهادهایی که از قدرت انحصاری به منظور ایفای نقش اجتماعی مشخص در یک ناحیه جغرافیایی شکل می گیرد، نقش هایی که دولت می تواند پذیرا باشد بسیار متفاوت و متنوع است (متوسلی، ۱۳۷۳: ۱۰۱). به این ترتیب دولت به ایجاد و نگهداری نهادهای عمومی معین و اجرای امور عمومی مشخص را که فرد یا گروه کوچکی از افراد که در منافعشان نباشد، می پردازد (رینولدز، ۱۳۷۳: ۲۸۰). این اندیشه ها طی سال های متفاوت و میزان نقش دولت و مداخلات آن در توسعه متفاوت بوده است. در طی سال های ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۰ عقیده بر این بود که مسئولیت توسعه اقتصادی بر دوش دولت است و این دولت است که دید و توان عاقبت اندیشی را دارد و می تواند منابع را جمع آوری و جوامع را به سوی رشد خود پایدار^۱ حرکت دهند (Rand, 2004: 65). با توجه به مجموعه نقش و عملکرد دولت ها بر اساس میزان دخالت آنها در روند توسعه در جهان سوم سه گروه از دولت ها به شرح زیر قابل تشخیص هستند:

۱- دولت های توسعه گرا ۲- دولت های میانی ۳- دولت های بی تفاوت نسبت به توسعه.

کشوری همچون ایران را می توان در طیف میانی طبقه قرار داد؛ چرا که دولت به دنبال توسعه جامعه بوده و در این راستا اقدامات و تلاش های متفاوتی را نیز به عمل می آورد، اما در مراحل قرار دارد که هنوز نتوانسته بین سه رکن جامعه یعنی دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی و نهادهای مرتبط با آن ارتباط بهینه و متناسب را برقرار سازد (رینولدز، ۱۳۷۳: ۲۸۰). از سوی دیگر، موضوع ظرفیت سازی بحث نوینی در مجموعه مباحث مشارکت به شمار می رود و زمینه پیدایش آن به اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ باز می گردد. در سال ۱۹۹۱ ظرفیت سازی توسط سازمان ملل به مفهوم عام و به شرح زیر تعریف شد:

- ایجاد محیطی توانمند با سیاست ها و چارچوب کاری مشخص و مشروع

- توسعه نهادی در بردارنده ی مشارکت اجتماعی

- توسعه نیروی انسانی و تحکیم نظام مدیریت

- فرایندی مداوم و بلندمدت که همه افراد ذی نفع در آن شرکت دارند (International Council for science, 2002: 11). این تعریف در بردارنده مفهوم زیر است:

- توسعه منابع انسانی: فرایند تجهیز فردی با دانش و مهارت و دسترسی به اطلاعات و آموزش که آنها را قادر می سازد تا به صورت مؤثری اثرگذار باشند.

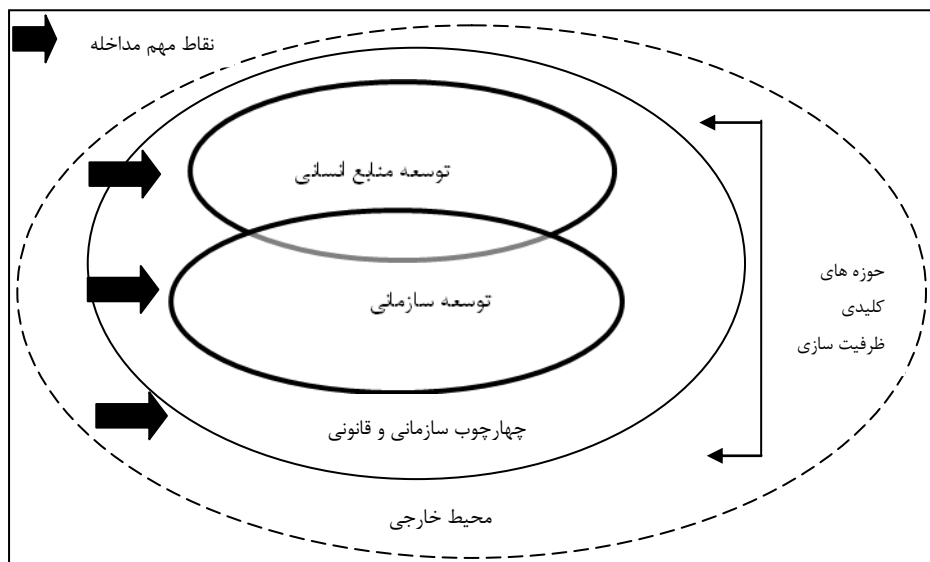
- توسعه سازمانی: ساختار مدیریت مشارکتی توأم با روندها و نوآوری های مشارکتی، نه تنها درون سازمان ها، بلکه روابط بین سازمان های مختلف و بخش های مختلف، عمومی، شخصی و اجتماعی است.

- چهارچوب نهادی و قانونی (مشروع) توسعه: ایجاد تغییرات مشروع و منظم برای توانمندسازی سازمان ها و نهادها.

¹.sustained self

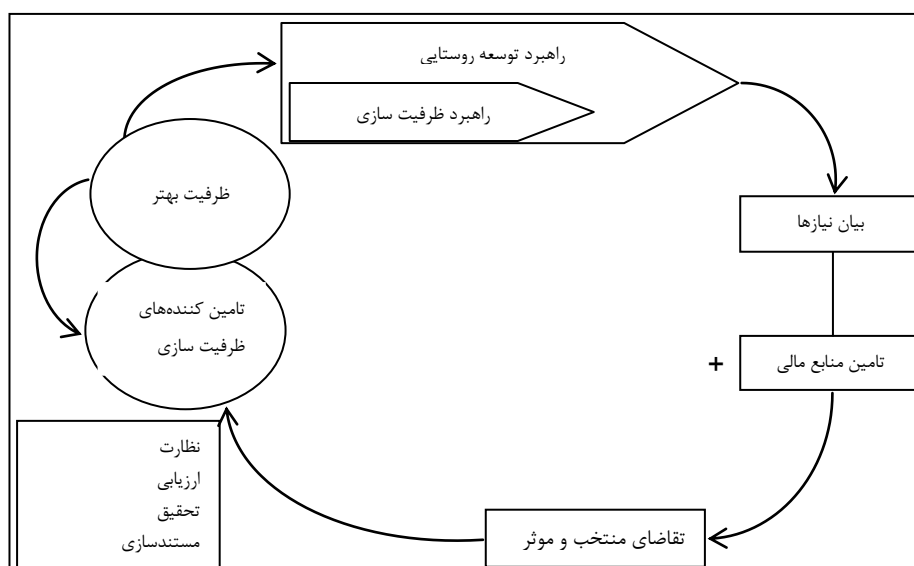
مهم‌ترین تعاریف ظرفیت‌سازی بر این نکته تأکید دارند که داشتن توانایی لازم برای انجام کار خاصی مرتبط با هدف، اولین گام و اساسی‌ترین گام به شمار می‌آید. به همین دلیل نیز ظرفیت‌سازی مقدمه توانمندسازی به شمار می‌آید. پس تعریف زیر را می‌توان به عنوان تعریف ظرفیت‌سازی پذیرفت:

ظرفیت‌سازی به ابزاری باز می‌گردد که اجتماع و یا افراد از طریق آن می‌توانند به تحکیم موقعیت خود بپردازند. لذا ظرفیت‌سازی تأکید بر تقویت توانایی‌های موجود است و به مفهوم وارد کردن چیزی از بیرون و درون‌زا به داخل جامعه نیست بلکه به مفهوم برخورداری از دارایی‌ها و تقویت و تحرک بخشی به دارایی‌های موجود (مادی و معنوی) در جامعه است. لذا نمی‌توان تحمیل شده و از بالا به پایین و برون‌زا باشد. ظرفیت‌سازی به مفهوم ایجاد روابط قوی و مجموعه‌مراحلی است که طی آن اعضای جامعه بتوانند عقاید خود را در زمینه یک سری از اقدامات ارائه و بر اساس آن عمل نمایند. همچنین به مفهوم افزایش قابلیت هدف‌گذاری و اجرای اقدامات خاص در یک طرح است. لذا به مفهوم برخورداری از قدرت مشترک و قوی در واکنش به محدودیت منابع موجود است (Austen Peggy, 2003: 2). بنابراین ظرفیت‌سازی از نظر مفهومی، از آموزش افراد فراتر رفته و به معنای تقویت سازمان‌ها و چارچوب‌هایی است که آن‌ها در آن فعالیت می‌کنند. (شکل شماره ۱).



شکل ۱- مفهوم ظرفیت‌سازی - مأخذ: (Davidson, 2000: 7).

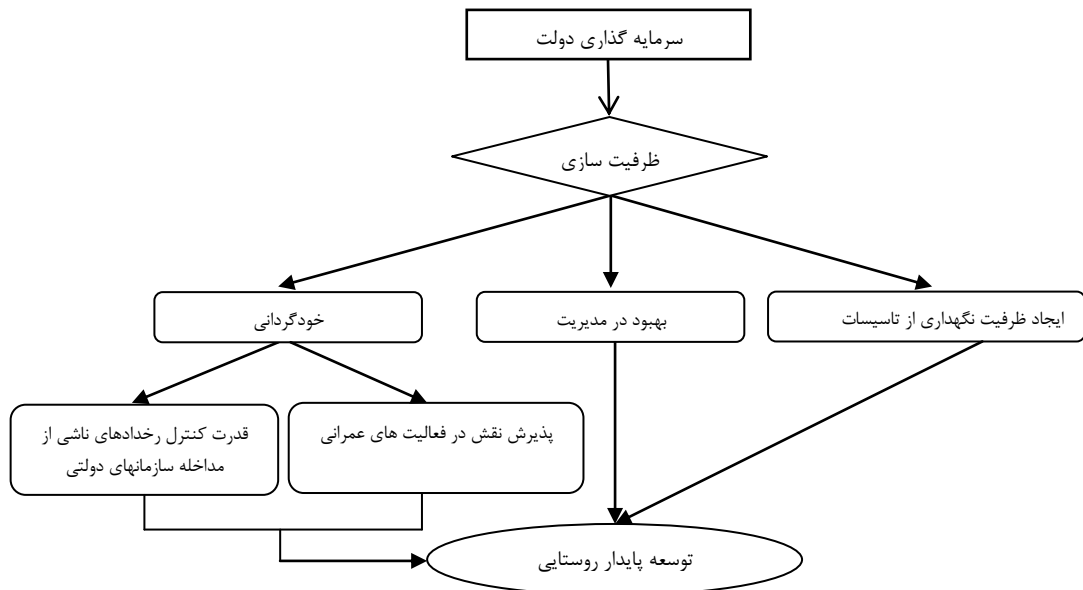
راهبردهای ظرفیت‌سازی باید در سطح محلی توسعه یابد تا مرتبط بودن آن تضمین گردیده و حمایت سازمانی مورد نیاز سیاستگذاران محلی به دست آید. لازم است دو حوزه‌ی اصلی فعال شود. یکی، بیان نیازهای جدید توسط عوامل موجود و جدید که می‌تواند دشوار باشد. زیرا معمولاً آگاهی، نیاز به تغییر وجود ندارد. رفتار محافظه‌کارانه نشانه بارز بسیاری از مقامات اداری (دیوان سالار) خشک و مقرراتی است. دوم اینکه، لازم است نیازهای جدید برای تأمین کنندگان خدمات ظرفیت‌سازی که ممکن است محافظه‌کارانه نیز باشد، مشخص گردیده و ضروری است آنها را در خصوص تغییر شرایط مسولیت‌پذیر نمود. بنابراین، ظرفیت‌سازی، آموزش‌های جدیدی را که به دانش، مهارت و مواضع جدید نیاز دارد نیز شامل می‌گردد (United Nation Center for Human settlement, 2001: 5). (شکل شماره ۲).



شکل ۲- نقش راهبرد ظرفیت سازی - مأخذ: (Davidson, 2000: 8)

در اینجا کانون فعالیت از کنترل توسعه به سوی اشکال مشارکتی تر یعنی برنامه ریزی راهبردی تغییر یافته است. در این رویکرد نو پدید بر رویکردهای خلاق و مشارکت های ابتکاری میان گروه های مختلفی که مشترکاً قادر به وارد عمل نمودن منابع لازم هستند، تأکید بیشتری گردیده است. در اینجاست که مهارت در ارتباط، روابط میان افراد و گفتگو، امری حیاتی هستند. این خصوصیات معمولاً با فرهنگ سازمان های دولتی سازگار نبوده و ترویج آنها به تلاش مستمر نیاز دارد (گزارش مرکز سکونتگاه های انسانی، ۱۳۸۸: ۲۲۸). ظرفیت سازی را می توان به دو بخش تفکیک کرد: الف) انسانی ب) اجتماعی.

در مورد اول ظرفیت سازی به آموزش فردی، مهارت ها و انطباق آن با تغییرات اقتصادی، اجتماعی و شرایط زیست محیطی باز می گردد. در مورد دوم، موضوع به اجتماع به طور گسترده و به طور خاص به نهادها و سازمان ها و زیرساخت های آن باز می گردد (University of Foreign affairs, 2000: 9). ظرفیت اجتماعی به مجموعه دارایی های موجود در درون یک اجتماع باز می گردد که می تواند شامل منابع مورد نیاز برای انجام امری خاص یا آگاهی، تخصص و رهبری برای انجام یک رخداد باشد. در راستای ظرفیت اجتماعی فرض بر آن است که ظرفیت اجتماعی عبارت است از اینکه تمامی اعضای اجتماع چیزی برای ارائه راه حل مشکلات و تعیین استراتژی های لازم دارند (Austen Peggy, 2003: 2). در فرایند برنامه ریزی دو جانبه استراتژی بالا به پایین و پایین به بالا وجود دارد. این نه تنها به مفهوم طرد چارچوب های ثابت و از قبل تعیین شده است؛ بلکه انعطاف و انطباق با شرایط مکانی و زمانی شرط اصلی آن است که در طی این فرایند شاخص های مختلفی مداخله خواهند کرد. ضمن اینکه برنامه ها از حالت ذهنی به عینی و نیازهای مردم نزدیک شده و اگرچه فرایند طولانی تر، سخت تر شده است ولی نتایج مثبت و اجرای آن سهل تر خواهد بود (Appadurai, 2000: 25). (شکل شماره ۳).



شکل ۳- نقش سرمایه گذاری دولت در ظرفیت سازی - منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۹۳.

روش تحقیق:

برای اجرای این تحقیق از روش‌های اسنادی و پیمایشی استفاده شده است. برای تحلیل برخی از شاخص‌ها نیاز است تا از افراد روستایی اطلاعات لازم جمع‌آوری گردد. با توجه به جمعیت ناحیه اقدام به تعیین حجم نمونه در روستا گردید که با استفاده از روش کوکران (حافظنیا، ۱۳۷۵: ۱۱۹) و با توجه به جمعیت ۱۴۴۳۱ نفری ناحیه، حجم نمونه ۳۱۲ نفر تعیین گردید. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده است که تعداد نمونه‌ها بر اساس سهم جمعیتی در روستا توزیع و به صورت تصادفی مورد پرسشگری قرار گرفته‌اند. (جدول شماره ۱). در این راستا پرسشنامه خود ساخته تهیه شد و با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت. میزان آلفای محاسبه شده (۰/۸۳) است و می‌توان گفت که دقت لازم برای احراز پایایی سازه‌ها در پرسشنامه به کار گرفته شده و گویه‌های طراحی شده برای سنجش متغیرها با یکدیگر همبستگی درونی دارند. همچنین تحلیل شاخص‌ها با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و آماره استنباطی ضریب همبستگی کندال b مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۱- ویژگی های روستاهای نمونه

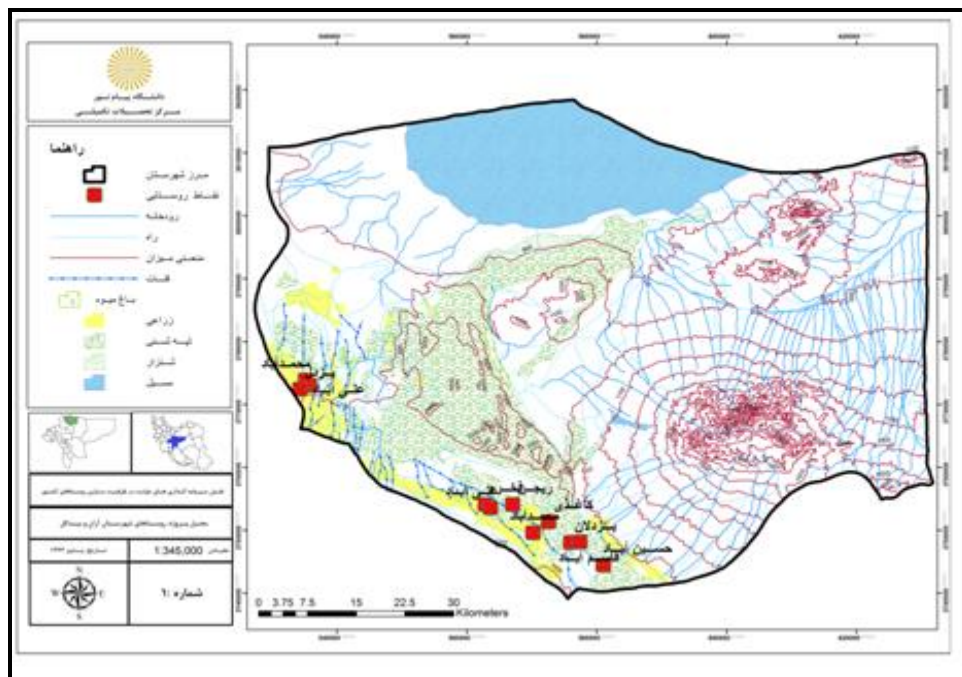
نام روستا	یزدل	علی آباد	محمد آباد	کاغذی	یزدلان	قاسم آباد	حسین آباد	فخره	علی آباد	محمد آباد	ریجن
جمعیت	۲۲۱۲	۱۳۳۰	۱۹۰۳	۱۴۹۰	۲۶۲	۵۵۴	۱۶۸۶	۴۴۵	۶۲۴	۱۸۴۹	۶۱۶
حجم نمونه	۵۲	۳۲	۴۵	۳۵	۷	۱۴	۳۹	۱۴	۱۶	۴۳	۱۵

منبع: یافته های تحقیق، ۱۳۹۲.

شناخت منطقه مورد مطالعه:

شهرستان آران و بیدگل از توابع استان اصفهان با وسعت ۶۰۵۱ کیلومتر مربع در حاشیه جنوب‌غربی کویر مرکزی واقع شده است. این شهرستان در مختصات ۵۱ درجه ۲۱ دقیقه تا ۵۲ درجه و ۲۵ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۳ درجه و ۴۷ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۳۰ دقیقه عرض جغرافیایی می‌باشد (شهرداری آران و بیدگل، ۱۳۸۵: ۸). این شهرستان دارای دو بخش مرکزی و کویرات و سه دهستان سفید دشت، کویر و کویرات و ۱۱ روستا است. (شکل

شماره ۴). جمعیت شهرستان بر اساس آخرین سرشماری عمومی کشور در سال ۱۳۹۰ بالغ بر ۹۷۴۰۹ هزار نفر بوده است که جمعیت روستایی آن ۱۴۴۳۱ نفر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).



شکل ۴- موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل تحقیق:

با توجه به نتایج بدست آمده، در مورد ویژگی‌های نمونه مورد بررسی باید گفت که ۸/۸ درصد پاسخگویان ۲۰-۳۰ ساله، ۱۶ درصد بین ۳۱-۴۰ ساله و ۷۵/۱ درصد پاسخگویان بالای ۴۰ سال داشتند که نشان دهنده مهاجرت جوانان می‌باشد. بیشترین افراد جامعه آماری را مردان با ۵۸/۹ درصد تشکیل می‌دهند. تعداد زنان هم ۴۰/۷ درصد را به خود اختصاص داده‌اند. از نظر تحصیلات ۳۱/۱ درصد بی‌سواد، ۴۱/۱ درصد زیردیپلم، ۲۱/۴ دیپلم و تنها ۶/۲ درصد تحصیلات دانشگاهی دارند. درآمد اکثر افراد تشکیل دهنده جامعه آماری بین ۴۰۱ تا ۶۰۰ هزار تومان است. ۱۸/۸ درصد کمترین میزان درآمد و ۶/۷ درصد بیشترین میزان درآمد را دارا هستند. ۵۴/۲ درصد پاسخگویان در حال حاضر به کشاورزی مشغولند و ۳۱/۳ درصد کارگر و ۱۴/۳ درصد از آنها شغلی نداشتند و شامل افراد بیکار، بازنشسته و از کار افتاده را شامل می‌شود.

ایجاد ظرفیت نگهداری از تأسیسات:

ایجاد ظرفیت نگهداری از تأسیسات به این مفهوم است که آن دسته از تأسیسات فیزیکی که ناشی از سرمایه‌گذاری عمرانی در روستاها ایجاد گردیده به مردم سپرده شده و در حال حاضر مردم نگهداری از آن را برعهده دارند. به منظور سنجش این شاخص شیوه نگهداری از تأسیسات توسط مردم روستایی مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. در بررسی انجام شده وظیفه نگهداری از تأسیسات و آنچه توسط دولت در روستاها احداث شده از مردم روستا سؤال شد. در پاسخ تنها ۲۴/۳ درصد از مردم اعتقاد داشتند که این کار برعهده‌ی مردم است، ۴۹/۳ درصد آنرا به سازمان‌ها و دستگاه‌های مسئول ارجاع داده‌اند و ۲۵/۲ درصد نیز این فعالیت‌ها را جزء وظایف شورا و دهیار دانسته‌اند. بر این اساس مردم حاضر به پذیرش کمترین نقش شده‌اند. (جدول شماره ۲).

جدول ۲- مسؤلیت حفظ و نگهداری تأسیسات از دیدگاه روستاییان در ناحیه آران و بیدگل

نام روستا	شورا		دهیار		شورا و معتمدین		مسئولین مربوطه		مردم		کل
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
علی آباد	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۵	۴۶/۸	۱۷	۵۳/۱	۳۲
محمد آباد	۸	۱۷/۷	۱	۲/۲	۰	۰	۱۵	۳۳/۳	۲۱	۴۶/۶	۴۵
یزدل	۸	۱۵/۳	۱	۱/۹	۳	۵/۷	۷	۱۳/۴	۳۳	۶۳/۴	۵۲
حسین آباد	۲	۵/۱	۱۳	۳۳/۳	۰	۰	۲۴	۶۱/۵	۰	۰	۳۹
ریجن	۳	۲۰	۴	۲۶/۶	۰	۰	۸	۵۳/۳	۰	۰	۱۵
علی آباد	۰	۰	۶	۳۷/۵	۰	۰	۱۰	۶۲/۵	۰	۰	۱۶
فخره	۱	۷/۱	۰	۰	۰	۰	۱۱	۷۸/۵	۲	۱۴/۲	۱۴
قاسم آباد	۲	۱۴/۲	۲	۱۴/۲	۰	۰	۱۰	۷۱/۴	۰	۰	۱۴
کاغذی	۰	۰	۶	۱۷/۱	۰	۰	۲۹	۸۲/۸	۰	۰	۳۵
محمدآباد	۱۰	۲۳/۲	۱۱	۲۵/۵	۰	۰	۱۹	۴۴/۱	۳	۶/۹	۴۳
یزدلان	۰	۰	۱	۱۴/۲	۰	۰	۶	۸۵/۷	۰	۰	۷
جمع	۳۴	۱۰/۸	۴۵	۱۴/۴	۳	۵/۷	۱۵۴	۴۹/۳	۷۶	۲۴/۳	۳۱۲

منبع: یافته‌های تحلیلی تحقیق، ۱۳۹۳.

بررسی ارتباط میان حجم سرمایه‌گذاری عمرانی و ایجاد ظرفیت حفظ و نگهداری تأسیسات هیچگونه ارتباط معناداری را نشان نمی‌دهد و در تمامی موارد همبستگی موجود در حداکثر ۰/۲۵۰ و کمتر است که عملاً ارتباط معنادار و قوی را نشان نمی‌دهد. براین اساس می‌توان اظهار داشت که سرمایه‌گذاری عمرانی در شاخص ایجاد توان و ظرفیت حفظ، نگهداری و بهره‌برداری از تأسیسات هیچ گونه نقشی نداشته است. با توجه به داده‌های ارائه شده می‌توان نتایج زیر را استنتاج نمود:

الف) در زمینه حفظ و نگهداری، مردم اعتقادی به مداخله ندارند و این بدان معنا است که آنچه احداث شده به هر دلیل، جزیی از سیستم روستایی که به آن تعلق دارد محسوب نمی‌گردد. ب) آنچه به عنوان مشارکت در بین کارگزاران دولتی پذیرفته شده است، به پذیرش بخشی از هزینه‌ها توسط مردم مربوط می‌شود و این دیدگاه بعد از انقلاب تقویت شده است که به معنای غفلت از هرگونه ظرفیت‌سازی مناسب نزد مردم است. ج) عدم تعلق خاطر شکل گرفته در بین مردم ناشی از دیدگاه دولت و کارگزاران دولتی است. بنابراین سرمایه‌گذاری‌های عمرانی به تنهایی فاقد توانایی‌های لازم برای ایجاد ظرفیت لازم نزد مردم بوده و به نتایج شایسته‌ای نیز در زمینه ظرفیت‌سازی منجر نمی‌شود. (جدول شماره ۳).

جدول ۳- ضریب همبستگی بین سرمایه‌گذاری عمرانی و ایجاد ظرفیت حفظ و نگهداری تأسیسات

نوع آزمون	متغیر مستقل	میزان همبستگی	سطح معناداری
کندال <i>b</i>	سرمایه‌گذاری عمرانی	۰/۲۵۰	۰/۰۵۸

منبع: یافته‌های تحلیلی تحقیق، ۱۳۹۳.

تغییر و بهبود در مدیریت روستا:

سرمایه‌گذاری‌های دولت در روستا باید با مداخلات مردمی همراه باشد و از این‌رو به هر میزان که سرمایه‌گذاری افزایش یابد انتظار می‌رود قدرت و ظرفیت مردم فزونی گرفته و این موضوع به نوعی در جامعه روستایی انعکاس یابد.

به همین دلیل باید انسجامی در وضعیت مدیریت روستا مشهود باشد و از سوی دیگر کانون های مختلف تصمیم گیری در روستا شکل گرفته باشد که مردم به آنها اعتقاد داشته باشند و آنها را به عنوان بزرگان و معتمدین روستا شناسایی کنند. این موضوع طبیعتاً در رابطه با میزان سرمایه گذاری دولت ارزیابی می گردد. سرمایه گذاری عمرانی در روستا باعث گردش مالی خاصی در روستا می گردد که انتظار می رود پیامدهای گوناگونی در روستا برجای گذارد. از جمله این پیامدها اثرات آن بر سیستم مدیریت موجود در روستاها است. آنچه در این میان جالب توجه است عبارت است از اینکه آیا سرمایه گذاری های عمرانی باعث شده است کانون های جدید در روستا برای تصمیم گیری شکل بگیرد؟ و یا همان کانون های موجود مورد توجه است؟ از سوی دیگر تشخیص دهندگان نیازها چه کسانی هستند؟ انتظار می رود که سرمایه گذاری های عمرانی در پی ظرفیت سازی باید قابلیت های جدیدی را برای روستا به ارمغان آورده باشد و با ایجاد ظرفیت تصمیم گیری و قدرت کنترل برای مردم، کانون های متنوعی برای تصمیم گیری ایجاد کرده باشد که با آنچه که مرسوم است اندکی تفاوت داشته باشد. بررسی های انجام شده نشان می دهد که چنین رخدادی در روستاهای مورد بررسی رخ نداده است، چرا که از مجموع افراد مورد مطالعه ۷۷/۵ درصد آنها اعتقاد داشته اند که شورا افراد تصمیم گیرنده در روستاها هستند. در عین حال ۳/۵ درصد نیز بر این باورند که افراد تصمیم گیرنده در روستاها را شوراها و ریش سفیدان تشکیل می دهند. بر این اساس بیش از ۸۱ درصد از افراد، شوراها را مؤثر در تصمیم گیری های انجام شده در روستا می دانند. این موضوع حکایت از آن دارد که در سیستم مدیریت روستایی تغییری رخ نداده است. به عنوان مثال با افزایش سطح سواد در روستا افراد باسواد نقش چشمگیری در این راستا ندارند و تنها ۰/۶ درصد عقیده داشتند که این افراد در تصمیمات مذکور اثرگذارند. (جدول شماره ۴).

جدول ۴- افراد تصمیم گیرنده در روستاهای ناحیه از نظر مردم

نام روستا	شورا		ریش سفیدان و شورا		شورا و افراد باسواد		افراد باسواد		دهیار		کل	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
علی آباد	۲۰	۶۲/۵	۴	۱۲/۵	۰	۰	۲	۶/۲۵	۶	۱۸/۷	۳۲	۱۰۰
محمد آباد	۲۱	۴۶/۶	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲۴	۵۳/۳	۴۵	۱۰۰
یزدل	۵۱	۹۸	۱	۱/۹	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۵۲	۱۰۰
حسین آباد	۳۹	۱۰۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳۹	۱۰۰
ریجن	۹	۶۰	۱	۶/۶	۰	۰	۰	۰	۵	۳۳/۳	۱۵	۱۰۰
علی آباد	۱۴	۸۷/۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۱۲/۵	۱۶	۱۰۰
فخره	۱۴	۱۰۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۴	۱۰۰
قاسم آباد	۱۴	۱۰۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۴	۱۰۰
کاغذی	۲۷	۷۷/۱	۴	۱۱/۴	۰	۰	۰	۰	۴	۱۱/۴	۳۵	۱۰۰
محمد آباد	۲۶	۶۰/۴	۱	۲/۳	۰	۰	۰	۰	۱۶	۳۷/۲	۴۳	۱۰۰
یزدلان	۷	۱۰۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۷	۱۰۰
جمع	۲۴۲	۷۷/۵	۱۱	۳/۵	۰	۰	۲	۰/۶۴	۵۷	۱۸/۲	۳۱۲	۱۰۰

منبع: یافته های تحلیلی تحقیق، ۱۳۹۳.

بررسی ارتباط این موضوع با حجم سرمایه گذاری های عمرانی حکایت از آن دارد که بین سرمایه گذاری های عمرانی و افراد تصمیم گیرنده در روستاها همبستگی معادل ۰/۴۴۷ است که ارتباط معنادار و قوی وجود ندارد. به این ترتیب می توان استنتاج نمود که در راستای تصمیم گیری در روستاها سرمایه گذاری عمرانی نه تنها اثرگذار نیست

بلکه اثرپذیر نیز می‌باشند. در این صورت سرمایه‌گذاری‌های عمرانی نمی‌تواند در روند مدیریت روستایی اثرگذار باشد. (جدول شماره ۵).

جدول ۵- ضریب همبستگی بین سرمایه‌گذاری عمرانی و افراد تصمیم‌گیرنده در روستاها

نوع آزمون	متغیر مستقل	میزان همبستگی	سطح معناداری
کندال b	سرمایه‌گذاری عمرانی	۰/۴۴۷	۰/۰۵۴

منبع: یافته‌های تحلیلی تحقیق، ۱۳۹۳.

در همین راستا افرادی که نیازهای روستا را تشخیص و پیگیری می‌کنند مورد سؤال قرار گرفت که در پاسخ مشخص گردید، مجدداً شوراها دارای نقش کلیدی هستند. به این ترتیب که ۱۲/۵ درصد آنها را تعیین‌کننده می‌دانند و ۸۱ درصد آن‌ها را به همراه دهیار تعیین‌کننده نهایی تلقی کرده‌اند. در اینجا مردم نقش بیشتری یافته و ۴/۴ درصد افراد معتقدند مردم خود این کار را انجام می‌دهند. (جدول شماره ۶).

جدول ۶- افراد تشخیص‌دهنده نیازها در روستا از نظر مردم

نام روستا	شورا		مردم		شورا و دهیار		ریش سفیدان و شورا		تحصیل کرده‌ها		کل	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
علی‌آباد	۱	۳/۱	۴	۱۲/۵	۲۳	۷۱/۸	۲	۶۰/۲	۲	۶/۲۵	۳۲	۱۰۰
محمدآباد	۲	۴/۴	۴	۸/۸	۳۷	۸۲/۲	۰	۰	۲	۴/۴	۴۵	۱۰۰
یزدل	۳۲	۶۱/۵	۶	۱۱/۵	۱۴	۲۶/۹	۰	۰	۰	۰	۵۲	۱۰۰
حسین‌آباد	۰	۰	۰	۰	۳۹	۱۰۰	۰	۰	۰	۰	۳۹	۱۰۰
ریجن	۰	۰	۰	۰	۱۵	۱۰۰	۰	۰	۰	۰	۱۵	۱۰۰
علی‌آباد	۴	۲۵	۰	۰	۱۲	۷۵	۰	۰	۰	۰	۱۶	۱۰۰
فخره	۰	۰	۰	۰	۱۴	۱۰۰	۰	۰	۰	۰	۱۴	۱۰۰
قاسم‌آباد	۰	۰	۰	۰	۱۴	۱۰۰	۰	۰	۰	۰	۱۴	۱۰۰
کاغذی	۰	۰	۰	۰	۳۵	۱۰۰	۰	۰	۰	۰	۳۵	۱۰۰
محمدآباد	۰	۰	۰	۰	۴۳	۱۰۰	۰	۰	۰	۰	۴۳	۱۰۰
یزدلان	۰	۰	۰	۰	۷	۱۰۰	۰	۰	۰	۰	۷	۱۰۰
جمع	۳۹	۱۲/۵	۱۴	۴/۴	۲۵۳	۸۱	۲	۰/۶۴	۴	۱/۲	۳۱۲	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحلیلی تحقیق، ۱۳۹۳.

بررسی نقش افراد تشخیص‌دهنده نیازها در روستا و سرمایه‌گذاری همبستگی معادل ۰/۶۴۷ را نشان می‌دهد که ارتباط مذکور ضعیف بوده و تعیین‌کننده نیست و نشان می‌دهد عملاً سرمایه‌گذاری عمرانی در نقش‌آفرینی افراد در روستاها و ماهیت افراد اثرگذار در تصمیم‌گیری‌ها اگرچه بی‌تأثیر نیست اما این تأثیر در حد ناچیزی است که می‌توان از آن چشم‌پوشی کرد. لذا می‌توان گفت که فرایند سرمایه‌گذاری عمرانی به عنوان یک فعالیت اغلب فنی تلقی شده که در پی دستیابی به اهداف اجرایی خود است. بنابراین از کانال‌های تعریف شده و موجود به پیگیری اهداف خود می‌پردازد. پس کمترین اثرات را بر مدیریت و طبقه بندی اجتماعی موجود در روستا داشته و اصولاً توجهی به مسائل اجتماعی ندارد. (جدول شماره ۷).

جدول ۷- ضریب همبستگی بین سرمایه گذاری عمرانی و افراد تشخیص دهنده نیازها در روستا

نوع آزمون	متغیر مستقل	میزان همبستگی	سطح معناداری
کندال <i>b</i>	سرمایه گذاری عمرانی	۰/۶۴۷	۰/۰۴۹

منبع: یافته های تحلیلی تحقیق، ۱۳۹۳.

خودگردانی:

این شاخص به مفهوم قدرت تعیین کنندگی مردم روستا در ارتباط با توسعه یک روستا مدنظر است. به این ترتیب که مردم می دانند که چه می خواهند و در این راستا نیز در پاسخگویی به نیازهای خود وارد عمل می شوند. لذا در این راستا آندسته از فعالیت های دولتی یا غیردولتی را در پاسخگویی به این نیاز هدایت و جهت می بخشند و یا در صورت مغایرت با نیاز آنها، این فعالیت ها را متوقف یا تغییر می دهند. در این راستا ابتدا باید مردم این نقش را برای خود تعریف و پذیرفته باشند و سپس سایر اقدامات بویژه در راستای خودگردانی مد نظر قرار گیرد. به همین دلیل دو شاخص مورد بررسی قرار می گیرد.

الف) پذیرش نقش در فعالیت های عمرانی، ب) قدرت کنترل رخدادهای ناشی از مداخله سازمان های دولتی اگر در این دو شاخص نتیجه مثبت باشد، آنگاه سایر شاخص های مرتبط با خودگردانی و کنترل جامعه روستایی مورد توجه قرار می گیرد. چرا که این دو شاخص را می توان شاخص های اولیه پذیرش نقش اتکای به خود را تبیین نماید که سنگ بنای سایر اقدامات است و اگر این دو شاخص رخ نداده باشد، بررسی سایر شاخص ها موردی نخواهد داشت.

الف) پذیرش نقش در فعالیت های عمرانی:

بهبود مدیریت، حاصل توجه سازمان های دولتی به موضوع مدیریت روستایی و توجه به آن در طی فعالیت های اجرایی است. بر اساس پیش فرض طرح شده باید به هر میزان که سرمایه گذاری عمرانی افزایش می یابد مردم مشارکت بیشتری در فعالیت های عمرانی داشته باشند. تداوم این امر منجر به ایجاد ظرفیت هایی می گردد که در طولانی مدت باعث خواهد شد تا مردم نقش ویژه ای را برای خود تعریف و از این نقش نیز دفاع کنند. بنابراین، به سهولت نباید هر فعالیت اجرایی در روستا مورد پذیرش آنها قرار گیرد. در صورت پذیرش این امر مردم باید از نقش خود آگاه باشند تا بتوانند براساس این دانش خود، در اقدامات اجرایی این نقش خود را به آگاهی مجریان سرمایه گذاری های عمرانی رسانیده و نقش خود را به آنان تفهیم و یا تحمیل نمایند (دارابی، ۱۳۸۴: ۳۰۳). براساس نمونه گیری انجام شده نقش مردم در حل مشکلات روستا مورد بررسی قرار گرفته است تا مشخص گردد چه کسی وظیفه دارد تا مشکلات موجود در روستا را حل نماید؟ در پاسخ به این سؤال ۳۴/۲ درصد از افراد به صراحت این موضوع را وظیفه دولت برشمرده اند و ۳۳/۳ درصد وظیفه مذکور را برعهده دولت و شورا به صورت مشترک دانسته اند و تعداد محدودی آن را وظیفه مردم ذکر کرده اند. (جدول شماره ۸).

جدول ۸- مسئولین حل مشکلات روستا از دیدگاه مردم روستاهای ناحیه آران و بیدگل

نام روستا	دولت		شورا		دولت و شورا		مردم و دولت		کل	
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
علی آباد	۴	۱۲/۵	۱۰	۳۱/۲	۱۶	۵۰	۲	۶/۲	۳۲	۱۰۰
محمد آباد	۸	۱۷/۷	۱۰	۲۲/۲	۱۸	۴۰	۹	۲۰	۴۵	۱۰۰
یزدل	۷	۱۳/۴	۱۶	۳۰/۷	۲۰	۳۸/۴	۹	۱۷/۳	۵۲	۱۰۰
حسین آباد	۲۰	۵۱/۲	۱۱	۲۸/۲	۸	۲۰/۵	۰	۰	۳۹	۱۰۰
ریجن	۷	۴۶/۶	۰	۰	۵	۳۳/۳	۳	۲۰	۱۵	۱۰۰
علی آباد	۴	۲۵	۲	۱۲/۵	۸	۵۰	۲	۱۲/۵	۱۶	۱۰۰
فخره	۳	۲۱/۴	۸	۵۷/۱	۳	۲۱/۴	۰	۰	۱۴	۱۰۰
قاسم آباد	۵	۳۵/۷	۰	۰	۷	۵۰	۲	۱۴/۲	۱۴	۱۰۰
کاغذی	۲۳	۶۵/۷	۴	۱۱/۴	۸	۲۲/۸	۰	۰	۳۵	۱۰۰
محمدآباد	۱۹	۴۴/۱	۸	۱۸/۶	۱۱	۲۵/۵	۵	۱۱/۶	۴۳	۱۰۰
یزدلان	۷	۱۰۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۷	۱۰۰
جمع	۱۰۷	۳۴/۲	۶۹	۲۲/۱	۱۰۴	۳۳/۳	۳۲	۱۰/۲	۳۱۲	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحلیلی تحقیق، ۱۳۹۳.

بررسی همبستگی بین نقش دولت و حجم سرمایه‌گذاری عمرانی نشان می‌دهد که همبستگی معادل ۰/۳۵۰ است که ارتباط معناداری در حدود ۰/۰۴۱ بین این دو وجود دارد. (جدول شماره ۹). اگرچه این ارتباط بسیار قوی نیست اما مؤید این نکته است که حجم سرمایه‌گذاری عمرانی هرچه افزایش یابد انتظارات مردم نیز از دولت افزایش می‌یابد و این به دلیل دیدگاه حاکم بر برنامه‌ریزی توسعه در طول سال‌های گذشته و اقدامات انجام شده بر همین مبنا است. با توجه به این رویکرد عملاً توان و ظرفیت لازم برای اینکه مردم خود را محور قرار دهند. و برای خود نقش و قدرت تعیین کننده تعریف نمایند شکل نگرفته است و مردم خود را تابعی از تصمیماتی که در بالا اتخاذ می‌شود، می‌دانند. با توجه به این موضوع مردم به این باور نرسیده‌اند که دولت باید در راستای خواسته‌ها و انتظارات آنها گام بردارد و نه برعکس. لذا نقش تابع را برای خود تعریف کرده‌اند. با عنایت به نگرش موجود سرمایه‌گذاری‌های عمرانی نسبت به ایجاد ظرفیت‌های لازم برای حل مسائل در نواحی روستایی ناتوان بوده است. در اینجا می‌توان سیستم عملکرد سرمایه‌گذاری و رویکردهای حاکم بر نظام برنامه‌ریزی توسعه روستایی کشور را منشأ این موضوع دانست.

جدول ۹- ضریب همبستگی بین سرمایه‌گذاری عمرانی و مسئولین حل مشکلات روستا

نوع آزمون	متغیر مستقل	میزان همبستگی	سطح معناداری
کندال <i>b</i>	سرمایه‌گذاری عمرانی	۰/۳۵۰	۰/۰۴۱

منبع: یافته‌های تحلیلی تحقیق، ۱۳۹۳.

قدرت کنترل رخدادهای روستا:

در صورتی که خودگردانی در روستا شکل گرفته باشد، مردم باید قدرت اداره جامعه روستایی را به طور مناسب داشته باشند. در این راستا یکی از فعالیت‌هایی که انجام خواهند داد کنترل اقداماتی است که در جامعه آنها انجام می‌پذیرد. این اقدامات هنگامی رخ خواهد داد که جامعه روستایی از توانایی و ظرفیت لازم برخوردار شده و در مقابل سازمان‌ها و افراد بیرونی تنها یک فرد نبوده و بلکه یک جامعه منسجم خود را به شمار آورند. بنابراین سازمان‌های

دولتی را ابزاری در اختیار خود می‌پندارند، نه اینکه روستا و روستاییان را ابزاری در دست سازمانهای دولتی. از این رو در مواردی که اقدامات سازمان‌های دولتی موافق اهداف، خواسته‌ها و نیازهای آنها نباشد به مخالفت با آنها برخاسته و سعی در تغییر و تحول آنها خواهد نمود. این موضوع از طریق پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفته است. به این ترتیب که آیا مردم بر این باور هستند که از توانایی لازم برای تغییر نظرات یک سازمان در فعالیت اجرایی برخوردار هستند و یا خیر. در پاسخ به این سؤال مشخص گردید که تنها ۲۲/۴ درصد از افراد پاسخگو اظهار داشته‌اند که توانایی انجام چنین موضوعی را دارند و ۷۷/۵ درصد از افراد چنین موضوعی را باور نداشته‌اند.

به این منظور ارتباط بین توانایی تغییر نظرات یک سازمان در فعالیتهای اجرایی روستاها و سرمایه‌گذاری عمرانی محاسبه شده که نشان می‌دهد؛ بین این دو همبستگی معادل ۱۱۶/۰ وجود دارد. که ارتباط معناداری در حدود ۰/۰۲۶ بین این دو وجود دارد. براین مبنا می‌توان استنتاج نمود که با توجه به اینکه هنوز بخش عمده‌ای از مردم خود را تابعی از خواسته‌های دستگاه‌های دولتی می‌پندارند، بنابراین ایده‌ی خودگردانی برای مردم بسیار بیش از آنچه که وجود دارد، جلوه می‌نماید، ولی جایگاهی ندارد. در صورتی که اگر مردم برای خود این توانایی را متصور می‌شدند که قابلیت کنترل هر آنچه در روستا می‌گذرد را دارند؛ به سهولت اظهار نمی‌داشتند که تابعی از رخدادهای بیرونی هستند. (جدول شماره ۱۰). به این ترتیب سال‌ها سرمایه‌گذاری و فعالیتهای عمرانی اثر چشمگیر و قابل توجهی بر روند ظرفیت سازی مردم نداشته است و نتوانسته است حتی این عقیده را به صورت عام ایجاد نماید که مردم می‌توانند تعیین کننده باشند نه تابع.

جدول ۱۰- ضریب همبستگی بین سرمایه گذاری عمرانی و توانایی تغییر نظرات یک سازمان در فعالیتهای اجرایی

نوع آزمون	متغیر مستقل	میزان همبستگی	سطح معناداری
کندال <i>b</i>	سرمایه گذاری عمرانی	۰/۱۱۶	۰/۰۴۸

منبع: یافته های تحلیلی تحقیق، ۱۳۹۳.

نتیجه‌گیری:

با توجه به مباحث گفته شده می‌توان به این نتیجه رسید که توسعه روستایی تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد که یکی از مهم‌ترین عوامل در این زمینه سرمایه‌گذاری دولت است. از سوی دیگر برای بررسی نقش سرمایه‌گذاری دولت در توسعه روستاها شاخص‌های مختلفی وجود دارد که یکی از مهم‌ترین آنها شاخص ظرفیت‌سازی است. لذا در این تحقیق به منظور ارزیابی میزان و نقش سرمایه‌گذاری دولت در ظرفیت‌سازی از سه شاخص اصلی استفاده شد. در هر سه شاخص (ایجاد ظرفیت نگهداری از تأسیسات روستا، تغییر و بهبود در مدیریت روستا، خودگردانی: پذیرش نقش در فعالیتهای عمرانی و قدرت کنترل رخدادهای ناشی از مداخله سازمان‌های دولتی) مشخص شد که متأسفانه سرمایه‌گذاری دولت در این شاخص‌ها در ناحیه آران و بیدگل هیچگونه نقش و اثری ندارد. نتایج مطالعات نیز میدانی نشان می‌دهد رابطه میان میزان سرمایه‌گذاری عمرانی و ظرفیت‌سازی: ایجاد ظرفیت نگهداری از تأسیسات روستا ($sig = 0/058$)، تغییر و بهبود در مدیریت روستا ($sig = 0/054$)، پذیرش نقش در فعالیتهای عمرانی ($sig = 0/049$) و ($sig = 0/041$) و قدرت کنترل و تغییر ناشی از مداخله سازمان‌های دولتی ($sig = 0/048$) در روستاهای ناحیه می‌باشد. به دنبال این موضوع می‌توان نتیجه گرفت، بعد از گذشت ۳۰ سال از برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های عمرانی بعد از انقلاب، جامعه روستایی خود را تابعی از تحولاتی که در سطوح بالاتر (شهر، ناحیه، کشور) رخ می‌دهد؛ می‌داند. بنابراین، هنوز نقش تعیین کننده‌ای برای خود قایل نیست. لذا حتی اندیشیدن درباره مشکلات را به دیگران واگذار می‌کند. از سوی دیگر جامعه روستایی فاقد انسجامی یکپارچه است و

مدیریت موجود روستا مانند گذشته نقش چندگانه را برعهده ندارد. بلکه تمامی قدرت آن به انجام وظایف تعیین شده محدود می‌گردد. لذا روستاییان ناحیه درکی از مفهوم جامعه بودن خود ندارد و ظرفیت‌سازی لازم برای کنترل مسایل اثرگذار بر روستاهای ناحیه شکل نگرفته است. این موضوع به نوبه‌ی خود باعث می‌شود تا اصولاً روستاییان ناحیه آران و بیدگل هرگز به موضوع خودگردانی نیندیشد تا برای خود برنامه‌ریزی کند یا حداقل سازمان‌های بیرونی را به اندیشیدن به اقدامات خود وا دارد. بر همین اساس تعداد محدودی از روستاییان در ناحیه آران و بیدگل به خود اجازه مخالفت با سازمان‌های بیرونی را می‌دهند و بخش عمده‌ای از روستاییان تنها بر اساس منافع فردی و نه جمع در این ارتباط تصمیم می‌گیرند. مجموعه این مسائل نشان می‌دهد که در روند سرمایه‌گذاری دولت در ناحیه آران و بیدگل به موضوع مشارکت توجهی نمی‌شود و تفکر این است که سرمایه‌گذاری دولت عبارت است از فعالیتی که باید در سقف زمانی مشخص در مکانی مشخص انجام شود و بحث مشارکت به عنوان ابزاری برای تسهیل در این کار مورد توجه قرار می‌گیرد. به همین دلیل نیز هیچ نشانی از ظرفیت‌سازی در مباحث مطرح شده مشاهده نمی‌شود. در نهایت مجموعه این شرایط موجب شده است که سرمایه‌گذاری دولت نتواند در توسعه روستاهای ناحیه نقش بنیادینی برعهده داشته باشد.

منابع و مأخذ:

۱. اوانز، پیتر (۱۳۸۰): توسعه یا چپاول، ترجمه: عباس زندباف، انتشارات طرح نو، چاپ اول، تهران.
۲. پورطاهری، مهدی، عینالی، جمشید و عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری (۱۳۸۹): «نقش ظرفیت‌سازی در کاهش تأثیرات مخاطرات طبیعی در مناطق روستایی با تأکید بر روش‌های کمی (مطالعه موردی: مناطق زلزله زده شهرستان خدابنده)، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۴، تهران، صص ۲۴-۳۹.
۳. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۷۵): روش تحقیق در علوم انسانی، انتشارات سمت، چاپ دوم، تهران.
۴. دارابی، حسن (۱۳۸۴): «تبیین پیامدهای فضایی فعالیت‌های عمرانی در پرتو مشارکت مردمی مورد سکونتگاه‌های روستایی ناحیه کاشان»، رساله دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۵. دوفومیه، مارک (۱۳۷۳): سیاست‌های کشاورزی، ترجمه: گیلدا ایرانلو، انتشارات وزارت کشاورزی، تهران.
۶. رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳): مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، نشر قومس، چاپ اول، تهران.
۷. رینولدز، جی للوید (۱۳۷۳): دولت‌ها و رشد اقتصادی، از اقتصاد کلاسیک تا اقتصاد توسعه، ترجمه: غلام رضا آزاد ارمکی، نشر میترا، چاپ اول، تهران.
۸. سازمان برنامه و بوجه (۱۳۷۹): مستندات برنامه سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سازمان برنامه و بوجه، تهران.
۹. سعیدی، عباس و حسن دارابی (۱۳۸۵): «نقش سرمایه‌گذاری عمرانی دولت در تثبیت جمعیت روستایی»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۳، مشهد، صص ۷۴-۵۳.
۱۰. شاطریان، محسن و محمود گنجی‌پور (۱۳۸۹): «اثرات سرمایه‌گذاری‌های عمرانی در توانمندسازی روستاها در روستاهای بخش ابوزیدآباد کاشان»، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، دوره اول، شماره ۳، تهران، صص ۱۳۱-۱۵۲.
۱۱. شکوری، علی (۱۳۸۴): سیاست‌های توسعه کشاورزی در ایران، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.

۱۲. شهرداری آران و بیدگل (۱۳۸۵): گام اول؛ کارنامه عملکرد شورای اسلامی شهر و شهرداری آران و بیدگل در راستای ترسیم چشم انداز توسعه ۱۳۸۵-۱۳۸۲، انتشارات نگار، کاشان.
۱۳. کانیرز، دایان (۱۳۸۱): رهنمودهای درباره تحلیل اجتماعی، ترجمه: مرتضوی، انتشارات روستا و توسعه، تهران.
۱۴. متوسلی، محمود (۱۳۷۳): خصوصی سازی یا ترکیب مطلوب دولت و بازار و توسعه اقتصادی، انتشارات مرکز پژوهش های بازرگانی، تهران.
۱۵. مرکز سکونتگاه های انسانی سازمان ملل (۱۳۸۸): شهرها در فرایند جهانی شدن، مترجم: رضا پورخرمدند، انتشارات مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهرداری تهران، چاپ اول، تهران.
۱۶. مرکز آمار ایران (۱۳۹۰): سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان آران و بیدگل، تهران.
17. Appadurai, A. (2000): *Deep Democracy: urban govern mentality and the Horizon of Politics*, University of Chicago.
18. Davidson, f. (2000): *Capacity building for Urban Management: I earning form Recent Experiences*, Rotterdam, Nederland
19. Fan, S. (2003): *Public Investment and Poverty Reduction. Paper Presented for the ADBI Conference, Tokyo, June 12-13, 2003*
20. Fan, S., Hazell, P. and S. Thorat, (2003): *government Spending, Growth and Poverty in Rural India. American journal of Agricultural Economics, Vol.82, PP. 1038-1051*
21. Fan, S., Jitsuchon, S. and N. Methakunnavut, (2003): *Impacts of Public Investment on Poverty Reduction in Thailand. Retrieved from the World Wide Web: <http://www.adb.org>*
22. Ghafary, G. (2005): *The State and Rural development, critical Middle Eastern Studies, Vol.15, No.3, p: 283*
23. *International Council Science, (2002): Science Education and Capacity Building, ICSU, p11*
24. Lea, D.A.M, and D.P. Choudhri, (1983): *Rural development and the state, London.*
25. Peggy, A. (2003): *Community Capacity Building & Mobilization in Youth Mental Health Promotion, Health Ministry of Canada.*
26. Rand, A. (2004): *The Nature of government, center for civil society*
27. Shakoori, A. (2002): *The State and Rural Development in Post-revolutionary Iran, New York: Palgrave.*
28. *United Nation Center For Human Settlement, (2001): Cities in Globalizing World: Global Report on Human Settlement.*
29. *University of Foreign Affairs, (2000): A Capacity Building Focus, University of Foreign Affairs.*
30. Wakely, P. (2008): *Capacity Building for better Cities. DPUNNEWS, Journal of the Development Planning Unit, London, University College*